

رابطه دین داری و احساس امنیت اجتماعی

در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران

کیاسمن فرشادفر*

محسن نیازی**

چکیده

امروزه مفهوم امنیت اجتماعی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های نظم و ثبات نظام اجتماعی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. احساس امنیت، به ویژه برای زنان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این میان، دین به عنوان مظهر همبستگی اجتماعی نقش اساسی در ارتقای احساس امنیت اجتماعی ایفا می کند. بر این مبنای هدف اساسی این مطالعه، بررسی رابطه بین میزان دین داری و احساس امنیت اجتماعی زنان در جامعه مورد مطالعه می باشد.

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و برای جمع آوری داده های پژوهش از تکنیک پرسش نامه همراه با مصاحبه استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان واقع در سنین فعالیت ساکن در مناطق شمال و جنوب شهر تهران می باشد. یافته های تحقیق رابطه بین میزان دین داری و احساس امنیت را نشان می دهد. یافته ها حکایت از رابطه معنی دار بین میزان دین داری و احساس امنیت در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران دارد.

کلیدواژه ها: دین، دین داری، امنیت، امنیت اجتماعی، زنان.

مقدمه

است که احساس امنیت را در افراد جامعه شکل می‌دهد. روابط میان نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه، چالش‌های بین گروه‌ها و جناح‌های مختلف، نظام‌مندی شغلی، تعاملات جناح‌های سیاسی، بهره‌وری اقتصادی و... متغیرهایی هستند که سطح میانی احساس امنیت در افراد جامعه را شکل می‌دهند. از سویی دیگر، روابط بین افراد جامعه در حوزه کار، تحصیل، اقوام و خویشاوندان، همسایگان، همکاران و نیز تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم روزانه افراد از پدیده‌های مختلف از جمله سرقت، ضرب و شتم، قتل و غیره و برخورداری‌های اقتصادی - اجتماعی افراد، سطح خرد احساس امنیت را شکل می‌دهد. تفسیر درست یا نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی، همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی و یا کاذب و غیرواقعی قرار می‌دهد. در برخی موارد، ساختارهای اجتماعی و انتظامی جامعه و شاخص‌های لازم، امنیت بالایی را در جامعه نشان می‌دهند، اما برداشت افراد از فضای اجتماعی یا اطلاعات آنان در مورد دیگران، آنان را در مخرجه روانی احساس ناامنی قرار می‌دهد (کرامتی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۳).

از سوی دیگر، دین عبارت از احساس اعتقاد به قوای لاهوتی و ماورای طبیعی و رعایت یک سلسله قواعد اخلاقی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی برای کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶، ص ۵۷) به‌عنوان یکی از عوامل اساسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. دین‌داری، عبارت از «پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی، به نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت آن بداند» می‌باشد (یغمایی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۰). بر این مبنا،

از جمله مسائل بسیار مهمی که از دیرباز تاکنون در اشکال مختلف مطرح بوده و ابعاد و موضوعات مربوط به آن در گذر زمان، تنوع بسیار یافته است، مقوله امنیت است. حساسیت‌های مربوط به این مفهوم حجم قابل توجهی از پژوهش‌ها و تحقیقات مختلف را به خود اختصاص داده است. بررسی مؤلفه‌ها و ملاحظات امنیتی یکی از سیاست‌ها و برنامه‌های حیاتی هر کشور محسوب می‌گردد. از این رو، اهمیت مفهوم امنیت و درک صحیح آن به منظور تدوین سیاست‌های امنیتی، می‌تواند در ثبات و تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یک جامعه تأثیر مطلوبی داشته باشد (تاجیک، ۱۳۷۷، ص ۴۶). امنیت مقوله‌ای اساسی در هر نظام اجتماعی است و هر کشوری اولویت اول ساختار حکومتی خود را به برقراری امنیت در جامعه خود اختصاص می‌دهد. امروزه نگاه به مسائل و آسیب‌های امنیتی می‌تواند از زوایای مختلفی صورت پذیرد که بخش عمده آن متوجه زنان جامعه که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، می‌باشد. در واقع، با گسترش جوامع، پدیده‌هایی اعم از افزایش تورم و هزینه‌های بالای زندگی، فقر، گرانی مسکن و عواملی نظیر آن، مسائل اجتماعی زنان و زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی آنان را فراهم می‌کند (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۲۲) و این امر موجب احساس ناامنی زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌گردد. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای افراد مختلف جامعه متفاوت است (قربان‌حسینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳). این منابع در سه سطح کلان، میانی و خرد اثرگذار است (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۲۵). در سطح کلان، ساختار کلی جامعه و ایمن بودن آن از جنگ، قحطی، خشک‌سالی، زلزله، سیل و سقوط ساختار سیاسی حکومت از عمده متغیرهایی

تعریف و طبقه‌بندی می‌شود. از این منظر، باید به تهدیدهای امنیتی نگاهی دوباره نموده و عواملی را که موجب افزایش ناامنی در فضای جامعه می‌شود تبیین نمود. جامعه امروز ما با تهدیدها و فرصت‌هایی چند مواجه است که آثار زیان‌بار آن متوجه اقدار جامعه بخصوص زنان می‌گردد. از سوی دیگر، امروزه آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی جلوه‌های جزئی و فرعی از تهدیدها و آسیب‌های امنیتی‌اند که در بالاترین حد خود سلامت اخلاقی و نظم و امنیت عمومی و ملی جامعه را خدشه‌دار می‌کند. در این زمینه، نقش عوامل فرهنگی و اجتماعی که موجب تولید این آسیب‌پذیری‌ها هستند در جامعه نمود پیدا نموده و عامل جنسیت در پذیرش این آسیب‌پذیری‌ها نقش برجسته‌ای دارد. زنان نسبت به مردان در مقابله با پدیده‌های اجتماعی و آسیب‌های امنیتی و هرگونه کج‌رفتاری در فضا و محیط جامعه زمینه آسیب‌پذیری بیشتری دارند، همچنین در مقابله با عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی به مقوله احساس امنیت واکنش متفاوت را نشان می‌دهند (لرنی، ۱۳۸۳، ص ۱۷). در مجموع، احساس امنیت اجتماعی به‌عنوان موضوع اصلی عبارت است از: نوعی ذهنیت و جهت‌گیری روانی مثبت (رضایت‌بخش، قانع‌کننده و آرامش‌بخش) شهروندان، نسبت به عدم تأثیرگذاری حضوری و بروز رویدادها و وقایع ضدامنیتی در شرایط فعلی و آتی در حوزه‌های امنیت اجتماعی، ثبات سیاسی، انسجام هویتی، یکپارچگی و امنیت سرزمینی (حاجیانی، ۱۳۸۴، ص ۲۸). امنیت دارای دو بعد ذهنی و عینی است. در بعد عینی، امنیت به معنای فقدان تهدید برای ارزش‌های کسب‌شده است و در بعد ذهنی، یعنی: عدم هراس از اینکه آن ارزش‌ها مورد حمله قرار بگیرند (ماندل، ۱۳۷۷، ص ۷۶).

با توجه به موارد فوق، در این تحقیق رابطه بین میزان

«دیندار کسی است که با آگاهی (اگرچه در حداقل) به اصول و شعائر یک مذهب، پیروی آن را در نظر و عمل اتخاذ می‌کند، به نحوی که این پیروی بر زندگی اجتماعی او تأثیر بگذارد» (انوری، ۱۳۷۳، ص ۱۵۶).

رابرتسون معتقد است: «دین از طریق تقویت ارزش‌ها و هنجارهای مهم به کنترل اجتماعی فرد کمک مؤثر می‌کند» (رابرتسون، ۱۳۷۲، ص ۳۳۶). همچنین، دین برای جامعه معنایی از اجماع را به وجود آورده و آن را تحکیم می‌بخشد، رفتارهای ضداجتماعی را منع نموده و راه‌کارهایی را برای انسجام دوباره متخلفان پیشنهاد می‌دهد (تنهایی، ۱۳۷۵، ص ۲۵). دین با ایجاد یک نظام درونی قوی در انسان‌ها، آنها را از انجام کارهای خلاف باز داشته و باعث می‌شود که آدمیان خود را به‌طور درونی کنترل نمایند (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۳۸). دین «زندگی اجتماعی سالم را با عطف و ملاحظه در کنار انسان‌های دیگر میسر و نظام اجتماعی را منسجم و مستحکم ساخته است؛ بنابراین، می‌توان گفت ایمان مذهبی، سیما اجتماعی است» (رفیع‌پور، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶). هاری‌آپر، کارکردهای انضباط‌بخشی، انسجام‌بخشی، حیات‌بخشی و خوش‌بختی بخشی را به‌عنوان چهار کارکرد عمده دین تشریح نموده است (گیویان، ۱۳۷۷، ص ۲۶). راس دین را یکی از اساسی‌ترین وسایل کنترل اجتماعی درونی می‌داند (کینگ، ۱۳۴۹، ص ۱۲۱). از دیدگاه شهید مطهری، ایمان به انسان عشق، امید و گرمی، مقصد، جهت، خوب خواستن، الهام بخشیدن به اینکه چه باید کرد، راه‌هدیه می‌دهد و انسان را در مقابل اضطراب‌ها، تنهایی‌ها، احساس بی‌پناهی‌ها و پارانگاری‌ها ایمن می‌سازد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۹).

امروزه تهدیدات امنیتی بر اساس میزان شدت، قدرت و آسیب‌پذیری نسبت به تمامیت و هویت ارزشی نظام

دین‌داری و احساس امنیت زنان مناطق شمال و جنوب تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. در این ارتباط، هدف اساسی تحقیق تبیین رابطه میزان دین‌داری و احساس امنیت زنان می‌باشد.

پیشینه بحث

درباره مقوله امنیت و اقسام آن از جمله «امنیت اجتماعی»، «امنیت اقتصادی» و «امنیت فرهنگی» و احساس امنیت تحقیقات بسیاری شده است، اما تحقیق و پژوهش در مورد امنیت زنان به ندرت و با جامعه آماری بسیار محدود صورت گرفته است. در ذیل و از میان مطالعات انجام شده داخلی در رابطه با مقوله امنیت و امنیت اجتماعی زنان، به ذکر چهار مورد اکتفا می‌کنیم:

۱. سید عبدالحسین نبوی و همکاران در پژوهشی به بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی پرداخته‌اند. این تحقیق در سال ۱۳۸۸ با هدف بررسی جامعه‌شناختی احساس امنیت اجتماعی و شناسایی پاره‌ای از عوامل اجتماعی و سیاسی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی انجام گرفته است. امنیت اجتماعی یکی از عناصر بنیادی بعد سیاسی نظم اجتماعی به شمار می‌آید و میزان و ضرایب احساس امنیت یا ناامنی، وابسته به سطح برداشت و احساس افراد و مرتبط با تحلیل‌ها و بررسی‌های امنیتی است. احساس امنیت اجتماعی افراد در این پژوهش به سه بعد احساس امنیت جانی، احساس امنیت مالی و احساس امنیت سیاسی در آن، مورد بررسی قرار گرفته است. چارچوب نظری تحقیق برگرفته از آرای سه تن از صاحب‌نظران مکتب کپنها (باری بوزان، ال ویور و بایرن مولار) است.

۲. فیض‌الله نوروزی و سارا فولادی سپهر در سال

۱۳۸۹ در پژوهشی به بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع تبیینی بوده و در آن به بررسی احساس امنیت زنان ۱۵-۲۹ ساله شهر تهران در دو بعد احساس امنیت در محیط خانواده و احساس امنیت در مکان‌های عمومی پرداخته شده است.

۳. مریم منافی و همکاران در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی زنان شاغل متأهل در دو محیط کار و خانواده در مراکز حمایتی معاونت امور اجتماعی بهزیستی شهر تهران در سال ۱۳۸۲ پرداخته‌اند. این پژوهش از نوع مطالعه پیمایشی - زمینه‌یابی بوده و هدف از انجام آن، شناخت دیدگاه زنان شاغل متأهل در خصوص عوامل مؤثر بر امنیت اجتماعی آنان در دو محیط کار و خانواده بوده است.

۴. همچنین در این زمینه باید به کتاب *امنیت اجتماعی از دیدگاه اسلام (قرآن کریم و سیره معصومین علیهم‌السلام)*، امام خمینی ره و *مقام معظم رهبری (مدظله العالی)* اشاره کرد که با همکاری معاونت امنیتی و انتظامی اداره کل امنیتی وزارت کشور در سال ۱۳۸۲ و در پنج فصل تنظیم شده است و در آن به موضوعات امنیت اجتماعی از رویکرد قرآن مجید، امنیت اجتماعی از دیدگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه اطهار علیهم‌السلام، امنیت اجتماعی در پیام و کلام امام خمینی ره و امنیت اجتماعی در پیام و کلام مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، پرداخته شده است.

مباحث نظری

در این بخش مفاهیم دین‌داری و امنیت اجتماعی به‌عنوان متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق مورد بحث قرار گرفته است.

الف. دین‌داری

مورد نخست، دین به مفهوم خضوع، فروتنی و اخلاص و تسلیم اوامر پروردگار می‌باشد. معنای دیگر دین، یعنی نظامی که دارای یک سلسله عقاید و بینش‌ها درباره خدا، جهان، انسان و جهان دیگر و یک سلسله دستورها برای اینکه در زندگی چگونه باید رفتار کرد، می‌باشد. همچنین، دین در قرآن به معنای قیامت و جزا آمده است (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۸ و ۱۹).

در تعاریف کارکردگرایانه، بر کارکردهای انسجام‌بخشی، تعریف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و ارائه نظم اخلاقی، پاسخ به سؤالات اساسی بشر و کاهش تعارضات ذهنی، افزایش ظرفیت تحمل‌پذیری و مشروعیت‌بخشی به تنظیمات جمعی در ارتباط با دین تأکید شده است (شجاعی‌زند، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

شهید مطهری پیرامون نقش دین بیان می‌کند: «انسان نمی‌تواند بدون داشتن ایده و آرمان و ایمان، زندگی سالم داشته باشد، و تبدیل به موجودی مردّد و سرگردان خواهد شد که تکلیف خویش را در مسائل اخلاقی و اجتماعی نمی‌داند» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۳۳). از دیدگاه دورکیم، دین وسیله استحکام و دوام اجتماعی است. دین با ایجاد پیوند میان پیروان خود، به وسیله انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک میان آنها وحدت اجتماع را تأمین می‌کند (آرون، ۱۳۶۴، ص ۳۹۲). همچنین، تشریفات مذهبی، مردم را گرد هم می‌آورد و از این طریق، پیوندهای مشترک آنها را دوباره تصدیق می‌کند و در نتیجه، همبستگی اجتماعی را تحکیم می‌بخشد (علمی، ۱۳۸۶، ص ۴۹). هاری آلپر چهار کارکرد عمده دین را از نظر دورکیم عبارت از انضباط‌بخش، انسجام‌بخش، حیات‌بخش و خوش‌بختی‌بخش (با الهام به امید و آرامش) بیان نموده است (گیدنز، ۱۳۸۱، ص ۸۶). در واقع، دین از یک سو، به عنوان یک منبع اجتماعی

واژه «دین» در لغت به معنای مذهب، ورع، اطاعت، پاداش (عمید، ۱۳۶۹، ص ۶۷۳)، انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزا (جوادی آملی، ۱۳۷۳، ص ۹۳) و قید و بند، الزام، تعهد، تکریم، تقدیس و شریعت (علیزاده، ۱۳۷۷، ص ۴۳) آمده است. الیاده معتقد است: تعاریف از دین آن قدر متعدد و متنوع است که حتی ارائه فهرست ناقصی از آنها غیرممکن است (الیاده، ۱۳۷۵، ص ۶۰). در فارسی کهن و در کتاب زرتشت، از کلمه «دین» به صورت «دئنا» و به معنای وجدان و ضمیر پاک نام برده شده است (شکور، ۱۳۵۹، ص ۶). دین در زبان لاتین به معنای اعتقاد و بستن و پیمان و فاداری به آداب و رسوم و اعمال ناشی از باورهای مذهبی است. کاوش‌های باستان‌شناسان و بررسی‌های تاریخی حاکی از آن است که دین همزاد بشر بوده و از آغاز تاریخ زندگانی بشر، هیچ‌گاه از زندگی او بیرون نرفته، هرچند حضورش با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده است (ر.ک: ناس، ۱۳۵۴). از دیدگاه تایلر، دین «اعتقاد به هستی‌های روحانی» است (همیلتون، ۱۳۷۷، ص ۲۶). بی‌تس معتقد است: دین هرگونه نظام باورداشت‌ها، نمادها و مناسکی است که زندگی را معنی‌دار و درک‌پذیر می‌سازند (بی‌تس، ۱۳۷۵، ص ۷۰۹). از دیدگاه هابرماس، زندگی بدون دین معنادار نیست (علیخانی، ۱۳۸۳، ص ۳۲). در بین عناصر فرهنگ‌ساز بشری، دین نقش تعیین‌کننده و بسیار قوی را بر عهده دارد و به تعبیری، فرهنگ‌دینی می‌تواند حیات‌بخش، توسعه‌آفرین و تمدن‌ساز باشد (بازرگان، بی‌تا، ص ۹). پترسون و دیگران معتقدند: «قوانین فراوانی وجود دارد که انسان‌ها به نحو اجتناب‌ناپذیری دینی هستند و دین نیرویی قوی در زندگی بشر است» (پترسون و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۱۷). واژه «دین» در اسلام به سه معنا به کار رفته است. در

اقتصادی مردم از جریان‌های ویرانگر بیرونی است (هافمن، ۱۹۸۱). ولفرز بیان می‌کند: امنیت در معنای عینی، فقدان تهدید در برابر ارزش‌های کسب‌شده است. در واقع، حفظ ارزش‌ها معادل برقراری امنیت است. در این تعریف، تحقق و برقراری امنیت در پرتو حفظ ارزش‌ها متصور می‌باشد (لرنی، ۱۳۸۲، ص ۲۹). در دیدگاه صاحب‌نظران، امنیت، از یک‌سو، وسیله و از سوی دیگر، هدف تلقی می‌شود (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۱۶).

وانسدر و گریلی در تعریف کاربردی خود، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد (آندرا، ۱۹۹۸، ص ۲۵۳). از دیدگاه بوث، مفهوم امنیت مبتنی بر تحقق انواع عدالت اجتماعی بوده و این امر برای نیل به صلح پایدار کاملاً ضروری است (بوث، ۱۹۹۱، ص ۳۲۴). هایزمن معتقد است: امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت فرهنگی بیش از حق حاکمیت دولت متمرکز است (ایوب، ۱۹۹۱، ص ۱۲۷). ویور (۱۹۹۵) معتقد است: امنیت اجتماعی بر تهدیدات علیه هویت یک جامعه متمرکز شده است. اگر جامعه‌ای هویتش را از دست بدهد، آن جامعه نخواهد توانست به‌عنوان یک جامعه، بقای خود را تضمین نماید. از نظر ویور، امنیت اجتماعی زمانی تهدید می‌شود که جوامع مشاهده‌کننده هویت‌هایشان به مخاطره افتاده است (www.Ciaonet.org, 2011).

در مجموع می‌توان گفت: امنیت اجتماعی توانایی حفظ و استمرار یکپارچگی جامعه در یک قلمرو و سرزمین معین، برای اعتلا و بسط الگوهای هویت، مشارکت، قدرت و توسعه نظامات اجتماعی در فرایند تغییرات محیطی با پشتوانه کشش‌های متقابل اندیشه‌ای، عاطفی، اقتداری و مبادله‌ای با ماهیت عقلانیت است.

همبستگی و دلبستگی عاطفی را ایجاد و تقویت می‌کند و از سوی دیگر، با ایجاد و تقویت مفاهیم اخلاقی مشترک میان افراد و معنابخشی به هنجارها، افراد را انسجام داده، نوعی نظم اخلاقی را ایجاد و محافظت می‌کند.

ب. امنیت اجتماعی

مفهوم امنیت به لحاظ پیچیدگی مفهومی جدال‌برانگیز است. از دیدگاه ولفرز، امنیت به لحاظ مفهومی، نماد ابهام‌آمیزی است که ممکن نیست دارای معنایی دقیق باشد (ولفرز، ۱۹۶۲، ص ۴۶). در لغت‌نامه دهخدا، امنیت به معنای بی‌خوفی، و امن، بی‌بیمی، ایمنی، ایمن شدن و در امان بودن آمده است (دهخدا، ۱۳۸۵، ص ۲۸۹۴). ناامنی حالتی است تهدیدآمیز که در معرض خطر بودن را القا می‌کند و امنیت عبارت است از حالتی که از تهدید و خطر مصون باشد (صدیق اورعی، ۱۳۷۵). در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن و در امان بودن و بی‌بیم شدن آمده است (معین، ۱۳۵۴). در فرهنگ عمید، ایمنی به معنای آرامش و آسودگی است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۲۷۵). در فرهنگ آکسفورد، امنیت اجتماعی به معنای ارتباط امنیت با جامعه و نوعی سازمان‌دهی و یا امنیتی است که شکل و ساخت اجتماعی یافته است (آکسفورد، ۲۰۰۰، ص ۱۲۲۷). امنیت از یک‌سو، به دنبال کسب یک مفهوم استقلالی مستقل و از سوی دیگر، در ذیل مفاهیمی همچون قدرت، جنگ و صلح، به‌عنوان مباحث مورد توجه علوم سیاست، علوم استراتژیک و مطالعات بین‌المللی تعریف شده است (بوزان، ۱۳۷۸، ص ۳). از دیدگاه لارونی مارتین، امنیت عبارت از تضمین رفاه آتی است (ربیعی، ۱۳۸۳، ص ۱۰). از دیدگاه هافمن، امنیت، پشتیبانی و حمایت یک ملت از حمله دیگران و مصون داشتن فعالیت‌های

دیدگاه‌ها و نظریه‌های امنیت

نقش ایفا می‌نمایند. با تأکید بر این نکته که ابعاد نظامی، سرزمینی، اقتصادی و تجاری امنیت همچنان معتبر است، ولی در دهه‌های آینده بعد ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی امنیت نقش بیشتری در برقراری امنیت ملی و در نهایت امنیت بین‌المللی ایفا می‌کند (بصیری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱).

امنیت اجتماعی و احساس امنیت نخستین بار و به صورت منسجم توسط باری بوزان مطرح شد. به عقیده بوزان، امنیت بشری به پنج دسته امنیت نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی تقسیم می‌شود (خوش‌فر، ۱۳۸۲، ص ۷۴).

بسیاری از نظریه‌پردازان مسائل امنیتی، معتقدند که واقعیت «احساس ناامنی» ساختاری است که به خشونت‌های شهری و دامنه، شکل و نوع «بزهکاری» که بافت و پیکره اجتماع را متزلزل می‌کند، بستگی دارد. جاب در بحث مرجع امنیت، چهار رویکرد عمده در این زمینه شامل امنیت تک‌تک شهروندان، امنیت ملت، امنیت رژیم و امنیت دولت را مشخص نموده است (جاب، ۲۰۰۱، ص ۱۵).

از نظر پارسونز، جامعه یک کل واحد است و نظام اجتماعی مجموعه‌ای از خرده‌نظام‌هاست. به‌زعم پارسونز این خرده‌نظام‌ها عبارت از نظام‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست، حقوق یا مذهب است. حالت عادی یا وضعیت تعادل هنگامی است که کارکرد هر یک از این اجزا به اندازه لازم و مفید باشد. هنگامی که یکی از خرده‌نظام‌ها رشد نامتناسب داشته باشد یا نهادهای اجتماعی در وظایف یکدیگر مداخله کنند، تعادل بر هم می‌خورد. اگر عدم تعادل در جامعه از حدی فراتر رود، نظام اجتماعی دوام نیافته، دستخوش بحران می‌شود و ناامنی به وجود می‌آید. «امنیت» دوایر محدودی همچون اقتصاد، فرهنگ، سیاست یا خانواده را شامل نمی‌شود،

نخستین مباحث فلسفی و سیاسی در عرصه امنیت را شاید بتوان در گفتمان‌های فلاسفه‌ای همچون افلاطون و ارسطو یافت. این اندیشمندان بر ایجاد و حفظ امنیت به‌مثابه یکی از اهداف و وظایف حکومت اصرار می‌ورزیدند. ارسطو به‌طور تلویحی و افلاطون با تأکید بر «عدالت»، آن را به‌عنوان بنیادی‌ترین وسیله و ابزار حکومتی برای نیل به امنیت معرفی کرده‌اند. افلاطون (۴۲۸ قبل از میلاد) در آثار متعدد خود به‌ویژه در کتاب سیاست معروف به «جمهوری» و کتاب نوامیس معروف به «قوانین»، خواهان جامعه‌های آرمانی (مدینه فاضله) است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند. ارسطو (۳۴۸ قبل از میلاد) خواستار نظم، آرامش، امنیت و وضع قوانین معتدل در جامعه بود. وی معتقد بود که سوداگری، پول‌پرستی و افراط در ثروت‌مندی، فرزندان ناشایست بر جای می‌نهند و زمینه اصلاح، بازسازی و امنیت را از بین می‌برند. چند قرن بعد، نظریه‌پردازان عصر روشنگری، از جمله هابز، لاک، روسو، و منتسکیو، در گفتمان‌های فلسفی - سیاسی خود به مفهوم امنیت، منزلتی رفیع‌تر بخشیدند. به نظر هابز (۱۳۷۸)، مردم به ایجاد و تأسیس حکومت از آن‌رو علاقه‌مند شدند که آنها را در مقابل تجاوز خارجی و صدمه یکی بردیگری مصون و محفوظ می‌نماید.

در دهه‌های اخیر، در دنیای بعد از جنگ سرد مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفهوم امنیت در دوره‌های قبل تفاوت‌های اساسی دارد؛ بدین معنا که امنیت چندجانبه، تجزیه‌ناپذیر و یکسان در حال شکل‌گیری است. به عبارت دیگر، امنیت یکی مساوی با امنیت دیگری است. در تحصیل این امنیت، مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها و سازمان‌های فراملی و فروملی و دولت‌ها

۱۱). در این جامعه، نرخ بزهکاری پنهان، افزون است؛ قوانین نانوشته حکومت می‌کنند و تسری‌پذیری اجتماعی، در بالاترین میزان و شدت خود قرار دارد. پیامدها و تبعات وجود یا گسترش احساس ناامنی در جامعه را می‌توان در موارد ایجاد حالت انفعال در مردم، از میان رفتن خلاقیت‌ها، بروز بی‌تفاوتی و رفتارهای مبتنی بر بی‌اعتمادی به قدرت مرکزی و خدشه‌دار شدن امنیت اجتماعی و مانند آنها برشمرد.

ج. دین‌داری و امنیت اجتماعی

امیل دورکیم، مذهب را مظهر همبستگی اجتماعی بیان نموده و دین را به‌مثابه حقیقتی می‌داند که دارای کیفیتی مختص خود است؛ به این معنا که نمایش‌ها یا نمادهای دینی در اذهان افراد وجود دارند تا از محرک‌های خودمدارانه ممانعت کنند و فرد را به طریقی تحت انضباط درآورند که بتواند به‌طور عینی به واقعیت بیرونی بپردازد. به عقیده دورکیم، دین وسیله استحکام و دوام اجتماعی است و با ایجاد پیوند میان پیروان خود به وسیله انجام مراسم گوناگون و ایجاد ارزش‌ها و باورهای مشترک میان آنها، وحدت اجتماعی را تأمین می‌کند. بر این مبنا، اگر باورها را از جامعه حذف کنیم، چیز دیگری جز زور و قدرت عریان بی‌واسطه نمی‌تواند جامعه انسانی را حفظ کند و این حفاظت هم برای مدت زیادی دوام نمی‌آورد (جلالی‌مقدم، ۱۳۷۹، ص ۹۸).

توکویل معتقد است: در جامعه‌ای مساوات‌طلب که می‌خواهد خود بر امور خود حکومت کند، انضباطی اخلاقی که در وجود افراد رسوخ یافته باشد، ضرورت دارد. اعضای جامعه باید در کنه وجود خویش از انضباطی پیروی کنند که فقط ناشی از ترس آنان از مجازات نباشد.

بلکه تمام جنبه‌ها و شئون حیات اجتماعی را دربر می‌گیرد. از دیدگاه پارسونز، امنیت و ناامنی را نه در چارچوب یک خرده‌نظام، بلکه در نحوه ارتباط و تعامل و تعادل کلیه بخش‌ها و خرده‌نظام‌ها، باید جست‌وجو کرد. امنیت، مفهومی عام و گسترده است که خرده‌نظام‌های جامعه همچون: امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت اخلاقی، امنیت قضایی و... به آن معنی می‌دهد. بر هم خوردن تعادل خرده‌نظام‌ها، در سه نوع جامعه، سه نوع ناامنی قدرگرایانه، آنومیک و ناامنی در وضعیت گذار را پدید می‌آورد (باقی، ۱۳۷۶، ص ۲۹).

در ناامنی قدرگرایانه، نهاد سیاست و قدرت بر سایر نهادها سلطه دارد. در چنین جامعه‌ای، فرد همچون عضوی از بدن جامعه و قطعه‌ای از ماشین اجتماع به‌شمار می‌آید و فردیت و استقلال فردی در پایین‌ترین حد خود قرار دارد. ناامنی آنومیک که در جامعه باز رخ می‌دهد زمانی است که روابط مناسب میان خرده‌نظام‌ها و استقلال در عین همکاری میان نهادها از بین برود و عدم تعادل از حدی که قابل اصلاح است، تجاوز کند. این جامعه در معرض نوعی دیگر از ناامنی است. رشد ناموزون فردیت و محو کامل ارزش‌های مشترک، از عوارضی است که جامعه باز را تهدید می‌کند. رشد خودخواهی و سست شدن همبستگی اجتماعی، جامعه را دچار بی‌هنجاری می‌کند و «ناامنی آنومیک» پدید می‌آید.

ناامنی وضعیت در حال گذار به ناامنی آنومیک شباهت دارد. آن دسته از جوامع در حال گذار که از وضعیت بسته عزیمت کرده‌اند، اما در مرحله مشارکت‌جویی باقی مانده و رقابتی نشده‌اند، این نوع ناامنی را تجربه می‌کنند؛ گرچه این جوامع از مضار ناامنی قدرگرایانه نیز مصونیت کامل نیافته‌اند (کلمن، ۱۳۷۷، ص

با توجه به مباحث فوق، فرضیه اصلی این تحقیق مبنی بر رابطه بین میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی تدوین گردیده است.

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسش‌نامه توأم با مصاحبه جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش هریک از متغیرهای اصلی پژوهش از گویه‌های مربوطه در قالب طیف لیکرت استفاده شده است. اعتبار و روایی گویه‌های طیف در آزمون مقدماتی و نهایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفته است. پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق و ورود داده‌ها به رایانه با استفاده از نرم‌افزار SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

جامعه آماری، شیوه نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان در سن فعالیت (۱۵-۶۴ سال) ساکن در منطقه شمال (مناطق ۱ و ۲) و جنوب شهر تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) در سال ۱۳۸۹ می‌باشد. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای می‌باشد، که در مرحله اول، بلوک‌ها در هر منطقه شناسایی شده است. در مرحله دوم، واحدهای مسکونی در داخل بلوک‌ها مشخص گردیدند و در نهایت، در مرحله سوم، از هر منزل با روش تصادفی ساده، زنان بین ۱۵ تا ۶۴ سال انتخاب شدند و پرسش‌نامه موردنظر تکمیل گردید.

در این مطالعه تعداد زنان در گروه سنی ۱۵-۶۴ سال در مناطق یادشده به استناد سرشماری عموم و نفوس مسکن در سال ۱۳۸۵ و با توجه به نرخ رشد ۱/۶ جمعیت

به اعتقاد وی، آن ایمانی که بهتر از هر چیز دیگر انضباط اخلاقی را در افراد پدید خواهد آورد، ایمان مذهبی است (آرون، ۱۳۸۲، ص ۲۶۵). همچنین، زیگموند فروید و دیوید رایزمن معتقدند که انسان‌ها دارای نظام کنترل درونی هستند. به اعتقاد آنها، عواملی وجود دارند که انسان‌ها را از کارهای نامشروع باز می‌دارند. یکی از مهم‌ترین این عوامل، مذهب است. اگر پایبندی‌های مذهبی اعضای یک جامعه قوی باشد، انسان‌ها کمتر به سوی کارهای نامشروع خواهند رفت و خود را به‌طور درونی کنترل خواهند نمود که این قوی‌ترین و مؤثرترین نوع کنترل است، آن هم بدون هزینه نیروی انتظامی و مانند آن. در مقابل، اگر نقش دین در جامعه و در بین مردم تضعیف گردد، امکان انحراف به شدت افزایش می‌یابد. بدین‌منظور، پرداختن به امور مذهبی افراد بخصوص جوانان و پاسخ به سؤالات و شبهات آنها موجب تداوی ساختار وجدانی در آنها شده و وجدان، خود به‌صورت یک سازوکار قوی درونی به فعالیت می‌پردازد (رفیع‌پور، ۱۳۷۸، ص ۳۸). اعتقادات مذهبی می‌تواند عامل مؤثری در پیش‌گیری از جرایم باشد. استارک و دیگران (۱۹۸۲) بر اثر بازدارندگی دین‌داری در ارتکاب جرایم تأیید نموده‌اند. به اعتقاد آنان، قدرت پیش‌گیری‌کننده دین نسبت به کنش‌های متقابل مبتنی بر ناهم‌نوایی‌های مجرمانه در اجتماعات دینی و اخلاقی از اجتماعات غیرمذهبی بیشتر است و دین به‌عنوان حفاظی در برابر جرم و بزه عمل می‌نماید. مطالعات دیگری نیز حاکی از آن است که عامل بی‌قیدی نسبت به مذهب و عدم پایبندی کامل به اعتقادات دینی و در یک کلام بحران معنویت، عاملی قوی برای انجام رفتارهای خشونت‌آمیز است (محبی، ۱۳۸۰، ص ۸).

خانه‌دار و ۱۵ درصد محصل یا دانشجوی می‌باشند. همچنین، ۷۸/۲ درصد از زنان گروه مورد مطالعه در جنوب تهران فاقد درآمد هستند.

ب) توصیف یافته‌ها

در این بخش یافته‌های مربوط به متغیر مستقل تحقیق یعنی میزان دین‌داری و همچنین میزان احساس امنیت زنان به‌عنوان متغیر وابسته تحقیق ارائه گردیده است.

۱. **میزان دین‌داری:** دین‌داری به بیان کلی، یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴، ص ۳۶). در این پژوهش، منظور از پایبندی مذهبی (دین‌داری) افراد آن است که فرد علاوه بر اعتقاد به اصول و فروع دین، رفتار دینی و ظاهر دینی نیز داشته باشد؛ بدین معنا که از یک‌سو، به انجام عبادات و تکالیف فردی و جمع‌اش‌پیردازد و از سوی دیگر، دینی بودن در ظاهر و رفتار او نیز نمایان باشد. در این تحقیق با استفاده از الگوی شجاعی‌زند (۱۳۸۴) میزان دین‌داری در قالب چهار بعد اعتقادات، عبادیات، اخلاقیات و شریعات مورد بررسی قرار گرفته است. اعتبار و روایی گویه‌های این مقیاس از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و با $(\alpha = 0/815)$ مورد تأیید قرار گرفته است. میزان دین‌داری پاسخ‌گویان با استفاده از ۲۶ گویه در قالب طیف لیکرت مورد سنجش قرار گرفته است. با توجه به گویه‌ها و شاخص‌های سنجش دین‌داری و با ترکیب نمرات شاخص‌ها و تقسیم آن به فواصل برابر، میزان دین‌داری پاسخ‌گویان به دست آمده است. بر این اساس، توزیع فراوانی و درصدی میزان دین‌داری پاسخ‌گویان در جدول زیر ارائه شده است.

تهران در سال ۱۳۸۹ برآورد گردیده است. بر اساس فرمول نمونه‌گیری کوکران، تعداد ۲۶۶ نفر از هریک از مناطق ۲۰ و ۱۹ و ۲۶۵ نفر از هریک از مناطق ۱۹ و ۲۰ به‌عنوان حجم نمونه تعیین گردیدند و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در این بخش، ابتدا مشخصات فردی پاسخ‌گویان ارائه گردیده است. پس از آن، یافته‌های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق ارائه گردیده و مورد توصیف قرار گرفته‌اند. در بخش پایانی، با استفاده از فعالیت‌های آماری مربوطه، رابطه بین متغیرهای فوق مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

الف) مشخصات فردی پاسخ‌گویان

در مطالعه زنان مناطق ۲۰ و ۱۹ در شمال تهران، بیشترین فراوانی مربوط به گروه سنی ۲۵-۳۷ با ۲۵/۳۷ درصد بوده و ۶۰ درصد در گروه سنی ۱۵-۳۰ قرار گرفته‌اند. همچنین، ۴۳ درصد متأهل و ۵۶ درصد مجرد می‌باشند. بیشترین فراوانی تحصیلی مربوط به مقطع تحصیلی لیسانس می‌باشد که ۵۳ درصد را به خود اختصاص داده است. ۸۸ درصد از گروه مورد مطالعه دارای تحصیلات تا پایان مقطع لیسانس بودند. ۸۲ درصد از زنان فاقد اشتغال هستند. همچنین، ۶۸ درصد متولد شهر تهران بوده‌اند. یافته‌های مربوط به مشخصات فردی زنان مورد مطالعه در جنوب شهر تهران (مناطق ۱۹ و ۲۰) نشان می‌دهد ۵۰ درصد آنان دارای سنین ۱۵ تا ۲۵ سال و ۵۴ درصد از آنان متأهل می‌باشند. ۷۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای تحصیلات دیپلم و یا بالای دیپلم هستند. ۳۴ درصد

رابطه دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران ■ ۹۱

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصدی میزان دین‌داری به تفکیک زنان مناطق شمال و جنوب تهران

میزان دین‌داری		زنان شمال تهران		زنان جنوب تهران	
کم	متوسط	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	متوسط	۱۲۰	۲۳.۱	۹۱	۱۷.۲
زیاد	جمع	۱۹۵	۳۷.۵	۳۱۸	۶۰.۰
		۵۲۰	۱۰۰.۰	۵۳۰	۱۰۰.۰

مناطق	خیلی زیاد	زیاد	تاحدودی	کم	خیلی کم
شمال	۴۰/۸	۲۳/۱	۲۱/۲	۸/۸	۶
جنوب	۹/۵	۴۱/۲	۱۵/۹	۲۲/۵	۰/۹
شمال	۱۸/۸	۱۹/۸	۲۳/۵	۱۵/۸	۲۲/۲
جنوب	۵/۳	۱۰/۲	۲۳/۹	۵۴/۶	۵/۹
شمال	۱۰/۹	۱۹/۲	۲۲/۵	۲۲/۷	۱۴/۷
جنوب	۴/۹	۲۲	۲۹/۲	۳۵/۷	۸/۲
شمال	۳/۹	۷	۱۵/۸	۲۵/۹	۴۷/۴
جنوب	۲/۶	۱۲/۲	۲۴/۶	۳۸	۱۲/۱
شمال	۵/۸	۹/۲	۳/۱	۲۳/۳	۳۰/۵
جنوب	۴/۲	۱۲/۹	۳/۴	۴۱/۶	۱۱
شمال	۴/۱	۸/۶	۲۴/۲	۳۶/۱	۳۶/۱
جنوب	۱/۹	۱۱/۴	۲۶/۵	۴۵/۵	۱۴/۷
شمال	۴/۷	۱۵/۴	۳/۸	۲۸	۱۹/۵
جنوب	۴/۵	۸/۳	۳۰/۸	۴۳/۹	۱۲/۵
شمال	۷/۷	۱۵/۲	۲۶/۷	۲۳/۵	۳۶/۱
جنوب	۳/۴	۱۰/۶	۲۸/۲	۳۹/۷	۱۸/۱
شمال	۸/۳	۱۶/۷	۲۹/۷	۲۰/۳	۲۴/۶
جنوب	۴/۵	۷/۶	۲۶/۹	۴۲/۸	۱۸/۲
شمال	۲/۶	۶/۶	۲۱/۶	۲۵/۶	۴۳/۲
جنوب	۲/۳	۱۳/۳	۲۳/۷	۴۳/۵	۱۷/۸
شمال	۴/۹	۵/۵	۲۰/۱	۲۳/۵	۴۵/۷
جنوب	۳	۱۲/۶	۱۸/۵	۴۱/۵	۲۴/۳
شمال	۱۸/۸	۲۷/۱	۳۴/۸	۱۱/۵	۷/۵
جنوب	۱/۵	۲۲/۹	۳۳/۳	۲۸/۵	۱۳/۸
شمال	۶/۴	۱۱/۸	۳/۴	۲۴/۶	۲۴/۶
جنوب	۳	۲۱/۹	۳۸	۳۰	۷/۲
شمال	۳/۶	۵/۱	۲۷/۳	۲۸/۴	۳۵/۳
جنوب	۰/۸	۲۰/۸	۳۵	۳۳/۲	۱۰/۲
شمال	۵/۳	۱۲	۳۲/۹	۲۸/۴	۲۱/۱
جنوب	۱/۲	۲۱/۹	۳۸/۱	۲۷/۵	۱۱/۳
شمال	۵/۸	۱۰/۷	۲۹/۹	۲۹/۱	۲۴/۱
جنوب	۰/۴	۲۲/۵	۳۳/۲	۳۱/۷	۱۲/۳
شمال	۴/۱	۱۰/۵	۲۵/۸	۲۷/۳	۳۱/۶
جنوب	۱/۱	۱۳/۸	۳۰/۴	۴۲/۱	۱۲/۶
شمال	۸/۱	۱۵/۶	۲۵/۹	۲۷/۴	۲۲/۶
جنوب	۰/۴	۱۰/۴	۳۰	۳۹/۶	۱۹/۶
شمال	۵/۵	۷/۷	۲۱/۱	۳۰/۱	۲۴/۲
جنوب	۰/۸	۴/۲	۲۷/۲	۴۴/۶	۳۳/۳
شمال	۷/۵	۱۰/۹	۲۷/۸	۲۵/۸	۳۶/۷
جنوب	۰/۴	۳/۸	۲۸/۷	۴۲/۷	۲۴/۴
شمال	۴/۹	۸/۱	۲۹/۹	۲۷/۳	۲۸/۹
جنوب	۰/۸	۵/۳	۲۵/۷	۴۸/۱	۲۰/۲
شمال	۷/۱	۱۱/۸	۲۶/۳	۲۳/۹	۲۸/۲
جنوب	۰/۴	۸	۲۵/۸	۴۵/۳	۲۰/۶
شمال	۱۰	۱۳/۷	۲۵/۹	۲۳/۵	۲۴/۶
جنوب	-	۵/۸	۲۷	۵۰/۴	۱۶/۸
شمال	۵/۷	۷/۶	۲۰/۵	۲۶/۴	۳۷
جنوب	۰/۴	۴/۹	۲۵/۷	۵۱/۵	۱۷/۵

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که میزان دین‌داری زنان شمال تهران به میزان ۲۳/۱ درصد در حد کم، ۳۹/۴ درصد متوسط و ۳۷/۵ درصد در حد زیاد بوده است. همچنین، میزان دین‌داری زنان مناطق جنوب تهران به میزان ۱۷/۲ درصد در حد کم، ۲۲/۸ درصد متوسط و ۶۰ درصد در حد زیاد می‌باشد.

۲. میزان احساس امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی، بر فراغت جمعی از تهدیدی که عامل غیرقانونی دولت یا دستگاه یا فرد یا گروهی که در تمام یا قسمتی از جامعه به وجود آورده است، تأکید می‌ورزد (امیری، ۱۳۸۲، ص ۳۱۵). در این پژوهش، منظور از احساس امنیت اجتماعی آن است که زنان با حضور در اجتماع، در محیط کار، در مکان‌های عمومی، خیابان و... تا چه حد اطمینان دارند که امنیت آنها تأمین می‌شود و احساس ترس و نگرانی نمی‌کنند. احساس امنیت اجتماعی، هرگونه نگرانی از تهدید، ترس هنگام تنهایی در خیابان، ترس از حضور در خیابان به ویژه در شب، عدم اعتماد به غریبه‌ها و غیره را شامل می‌شود.

اعتبار و روایی گویه‌های طیف احساس امنیت اجتماعی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ (a=۰/۸۵) مورد تأیید قرار گرفته است. با تقسیم مجموع نمرات این طیف به تعداد گویه‌ها و طبقه‌بندی آن در قالب سه مقوله

در جدول (۲) توزیع درصدی پاسخ‌های پاسخ‌گویان به هریک از گویه‌های طیف احساس امنیت اجتماعی به تفکیک مناطق شمال و جنوب تهران ارائه گردیده است.

شمال و جنوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد، به گونه‌ای که میانگین احساس امنیت زنان بالاتر از زنان جنوب است و فرضیه صفر رد می‌شود.

۲. مقایسه میزان دین‌داری زنان در مناطق شمال و جنوب تهران:

جدول ۵: خلاصه محاسبات آزمون t

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معنی‌داری
جنوب	۵۳۰	۵۱/۹۸۸۷	۱۶/۶۲۱۰۹	۹/۳۶۴	۱۰۶۰	۰/۰۰۰
شمال	۵۳۲	۶۱/۲۶۶۹	۱۵/۶۵۴۸۳			

با توجه به اینکه t محاسبه شده ($t=۱/۳۲۳$) از مقدار t بحرانی آلفای ۰/۰۵ کوچکتر است، از این رو، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان دین‌داری زنان شمال و جنوب تفاوت معنی‌داری وجود ندارد، به گونه‌ای که میانگین دین‌داری زنان شمال و جنوب تقریباً یکسان است و فرضیه صفر تأیید می‌شود.

۳. رابطه بین میزان دین‌داری و احساس امنیت زنان: در این بخش، رابطه بین میزان دین‌داری زنان مناطق شمال و جنوب تهران و میزان احساس امنیت اجتماعی توسط آنان مورد بررسی قرار گرفته است.

با توجه به یافته‌های پژوهش، رابطه بین میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شمال تهران مشاهده می‌شود. در جدول (۶) نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در مورد رابطه دو متغیر فوق نشان داده شده است. جدول ۶: خلاصه محاسبات آزمون همبستگی مربوط به رابطه بین دین‌داری و

احساس امنیت زنان منطقه شمال تهران

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معنی‌داری
جنوب	۵۳۰	۴۵/۳۰۱۹	۵/۴۲۸۶۴	۱/۳۲۳	۱۰۶۰	۰/۱۸۶
شمال	۵۳۲	۴۳/۶۳۱۶	۲۸/۵۵۸۵۲			

با توجه به مقدار همبستگی ($r=۰/۲۶۳$) و سطح معنی‌داری (۰/۰۰۰) که بزرگتر از مقدار بحرانی جدول است، می‌توان نتیجه گرفت فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۹ درصد بین دین‌داری و احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

همچنین، یافته‌های تحقیق در مورد رابطه بین میزان

کم، متوسط و زیاد با فواصل برابر، جدول توزیع فراوانی و درصدی میزان احساس امنیت زنان به دست آمده است.

جدول ۳: توزیع فراوانی و درصدی میزان احساس امنیت اجتماعی زنان به تفکیک

مناطق شمال و جنوب تهران

احساس امنیت اجتماعی	زنان شمال تهران		زنان جنوب تهران	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۱۵۴	۲۹	۲۱۱	۳۹/۸
متوسط	۲۹۳	۵۵	۲۵۲	۴۷/۵
زیاد	۸۵	۱۶	۶۷	۱۲/۶
جمع	۵۳۱	۱۰۰	۵۳۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق در جدول (۳) نشان می‌دهد میزان

احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال تهران به میزان ۲۹ درصد در حد کم، ۵۵ درصد متوسط و ۱۶ درصد زیاد بوده است. همچنین، میزان احساس امنیت اجتماعی زنان جنوب تهران به میزان ۳۹/۸ درصد در حد کم، ۴۷/۵ درصد متوسط و ۱۲/۶ درصد در حد زیاد می‌باشد.

ج) تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در این بخش، ابتدایه مقایسه میزان احساس امنیت اجتماعی و دین‌داری در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران می‌پردازیم و سپس رابطه بین دو متغیر دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب تهران: در این بخش، با استفاده از آزمون t معنی‌داری تفاوت بین احساس امنیت در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۴: خلاصه محاسبات آزمون T

گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	معنی‌داری
جنوب	۵۳۰	۵۱/۹۸۸۷	۱۶/۶۲۱۰۹	۹/۳۶۴	۱۰۶۰	۰/۰۰۰
شمال	۵۳۲	۶۱/۲۶۶۹	۱۵/۶۵۴۸۳			

در جدول فوق از آنجا که t محاسبه شده ($t=۹/۳۶۴$) از مقدار t بحرانی آلفای ۰/۰۱ بزرگتر است، با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که بین امنیت اجتماعی زنان

نشود و برخی در شرایط بهتر قرار گیرند و برخی با عدم امکان دستیابی به وسایل و امکانات مواجه باشند، ناامنی و عدم احساس امنیت برای ساکنان آن منطقه به وجود می‌آید. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که امنیت اجتماعی در سایه بالا رفتن سطح کیفی زندگی خانوادگی و محلی فراهم می‌گردد. از سوی دیگر، اگرچه احساس امنیت به ایمنی افراد نظر دارد، ولی این توجه از آن‌روست که اطمینان خاطر و آرامش در نتیجه ایمنی کسانی که به آنها اعتماد و دل‌بستگی داریم تحقق می‌پذیرد. با توجه به یافته‌های تحقیق، میزان احساس امنیت شغلی در مناطق شمال شهر تهران بیشتر از مناطق جنوب شهر تهران می‌باشد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، همبستگی معنی‌دار بین میزان دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب تهران مشاهده می‌شود.

در مجموع، نتایج پژوهش نشان می‌دهد در شرایط متفاوت زندگی اجتماعی، که در این تحقیق مناطق شمال و جنوب شهر تهران مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ارتقای دین‌داری زنان موجب افزایش احساس امنیت اجتماعی نزد آنان بوده و دین‌داری به‌عنوان یکی از عوامل مهم در زمینه امنیت اجتماعی مورد توجه می‌باشد.

منابع

آرون، ریمون، ۱۳۶۴، *مراحل اساسی مسیری‌اندیشی در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران، علمی و فرهنگی.
 الیاده، میرجا، ۱۳۷۵، *دین پژوهی*، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، چ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 امیری، عبدالرضا، ۱۳۸۲، *نقش رسانه جمعی در امنیت اجتماعی* (مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی ۱)، تهران، معاونت اجتماعی و ارشاد نیروی انتظامی.
 انوری، حمیدرضا، ۱۳۷۳، *پژوهشی راجع به تقدیرگرایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
 بازرگان، مهدی، بی‌تا، *دین و تمدن*، تهران، بعثت.
 بصیری، محمدعلی، ۱۳۸۰، «تحوالات مفهوم امنیت ملی»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ش ۸۷.
 بوزان، باری، ۱۳۷۸، *مردم، دولت‌ها و هراس*، ترجمه پژوهشکده

دین‌داری و احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق جنوب تهران، همبستگی بین دو متغیر فوق را تأیید می‌نماید. در جدول زیر نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون ارائه گردیده است. جدول ۷: خلاصه محاسبات آزمون همبستگی مربوط به رابطه بین دین‌داری و

احساس امنیت زنان منطقه جنوب

دین‌داری	همبستگی پیرسون
۰/۲۶۳	احساس امنیت
۰/۰۰۰	معنی‌داری
۵۳۲	تعداد

با توجه به مقدار همبستگی ($r=0/640$) و سطح معنی‌داری ($0/020$) که بزرگتر از مقدار بحرانی جدول است، می‌توان نتیجه گرفت فرض صفر رد می‌شود و با اطمینان ۹۵ درصد بین دین‌داری و احساس امنیت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق، تفاوت معنی‌دار بین میزان احساس امنیت اجتماعی در بین زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران را نشان می‌دهد. بر این مبنای، احساس امنیت اجتماعی در بین زنان شمال تهران بیشتر از زنان مناطق جنوب شهر تهران می‌باشد. در این میان، همبستگی بین میزان دین‌داری و میزان احساس امنیت زنان مناطق شمال و جنوب شهر تهران به ترتیب برابر با $r=0/263$ و $r=0/640$ مورد تأیید قرار گرفته است. نوع رابطه مثبت بوده و بیانگر این امر است که با افزایش میزان دین‌داری زنان، شاهد افزایش میزان احساس امنیت در بین آنان خواهیم بود.

با توجه به یافته‌های پژوهش، میانگین میزان احساس امنیت در بین زنان شمال تهران بیش از زنان مناطق جنوب شهر تهران می‌باشد. این نتایج با نظریه پیوندهای افتراقی قرابت و همخوانی دارد. طبق نظر کلوارد، بر پایه این نظریه وقتی ابزار و امکانات معمول و موردنیاز یکسان توزیع

- ، ۱۳۵۹، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.
- قربان حسینی، علی اصغر ۱۳۷۹، «امنیت اجتماعی»، امنیت عمومی، سال چهارم، ش ۱۶ و ۱۵.
- کرامتی، مهدی، ۱۳۸۵، «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی در بین شهروندان کشور»، مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۷ و ۶.
- کینگ، ساموئل، ۱۳۴۹، جامعه شناسی، ترجمه مشفق همدانی، چ چهارم، تهران، امیرکبیر.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۱، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چ هفتم، تهران، نشر نی.
- گیویان، عبدالله، ۱۳۷۷، سنجش نگرش مردم تهران راجع به نقش و کارکردهای دین، تهران، شورای فرهنگ عمومی.
- لرنی، منوچهر، ۱۳۸۳، آسیب شناسی امنیت، تهران، پیام پویا.
- ، ۱۳۸۲، امنیت ملی و دفاع از ارزش‌ها، چ دوم، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- محبی، سیده فاطمه، ۱۳۸۰، «آسیب شناسی اجتماعی زنان»، کتاب زنان، ش ۱۴.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، انسان و ایمان، چ هیجدهم، تهران، صدرا.
- معین، محمد، ۱۳۸۱، فرهنگ فارسی معین، تهران، معین.
- ناس، جان بی، ۱۳۵۴، تاریخ جوامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران، پیروز.
- هابز، توماس، ۱۳۸۷، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، چ پنجم، تهران، نشر نی.
- همیلتون، ملکم، ۱۳۷۷، جامعه شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیبان.
- یغمایی، محمدتقی، ۱۳۸۰، دین داری نوجوانان و عوامل مؤثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، جامعه شناسی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Andrew Christopher, 1998, *Her Majesty's Secret Service: The Making of the British Intelligence Community*, New York, Viking.
- Ayoob, Mohammad, 1991, "The Security Problematic of the third World: A Review Article", *World Politics*, n. 43, p. 57-83.
- Both, Ken, 1991, "Security and Emsncipation", *Review of Internation Studies*, N 17.
- Haffman, Stanly, 1981, "Security in the Age Means of Response in third of Turbulence World Conflict and internation security", *Adelpers*, n. 167.
- Job, Brian L, 2001, "The insecurity Dilemma: National, rejime, and state Securities in the third World", in Job, *The Insecurity Dilemma*.
- مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیتس، دانیل، ۱۳۷۵، پلاک فرد، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی و فرهنگی.
- پترسون، مایکل و دیگران، ۱۳۷۷، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، چ دوم، تهران، طرح نو.
- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۷۷، «انتظام در پراکنده امنیت ملی ایران»، اندیشه نو، پ. ش ۱.
- تنهایی، ابوالحسن، ۱۳۷۵، جامعه شناسی در ادیان، یزد، بهاباد.
- جلالی مقدم، مسعود، ۱۳۷۹، درآمدی به جامعه شناسی دین و آراء جامعه شناسان بزرگ درباره دین، تهران، نشر مرکز.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۳، شریعت در آیین معرفت، تهران، فرهنگ رجا.
- حاجبانی، ابراهیم، ۱۳۸۴، «چارچوب روش شناختی برای بررسی احساس امنیت»، مطالعات امنیت اجتماعی.
- خوش فر، غلامرضا، ۱۳۷۹، «امنیت و جامعه مدنی»، امنیت، سال چهارم، ش ۱۳ و ۱۴.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- رابرتسون، یان، ۱۳۷۲، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ربانی، رسول و همکاران، ۱۳۸۶، «برخی موانع ذهنی توسعه در ایران، پژوهشی پیرامون سنت و مدرنیته در نظام فرهنگی دانشجویان»، توسعه انسانی، ش ۲.
- ریبعی، علی، ۱۳۸۳، مطالعات امنیت ملی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۸، آفات تومی جامعه، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- ، ۱۳۷۶، توسعه و تضاد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- روشندل، جلیل، ۱۳۷۴، امنیت ملی و نظام بین المللی، تهران، سمت.
- شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۴، «مدلی برای سنجش دین داری در ایران»، انجمن جامعه شناسی ایران، دوره ششم، ش ۱.
- ، ۱۳۷۶، مشروعیت دینی دولت و اقتدار سیاسی دین، بررسی جامعه شناختی مناسبات دین و دولت ایران اسلامی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تیبان.
- شکور، محمدجواد، ۱۳۵۹، خلاصه الادیان، تهران، نشر نی.
- صدیقی اورعی، غلامرضا، ۱۳۷۵، تأثیر ساختاری بر پدیده امنیت یا ناامنی اجتماعی (مجموعه مقالات ارائه شده در همایش توسعه و امنیت عمومی)، تهران، وزارت کشور.
- علمی، قربان، ۱۳۸۶، «بررسی منشأ دین و دین داری از دیدگاه علامه طباطبائی»، آینه معرفت، سال پنجم، ش ۱۰.
- علیخانی، علی اکبر، ۱۳۸۳، هویت در ایران، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- علیزاده، سکینه، ۱۳۷۷، «درآمدی بر مطالعات مردم شناسی دین»، نمایه پژوهش، ش ۵ و ۶.
- عمید، حسن، ۱۳۶۹، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر.